



گفت وگویی «ایران» با گلاب آدینه راوی و محمدرضا صفوی رهبر ارکستر «میترا» در «شب شاهنامه»

موسیقی ما شاهراهی است به شناخت ادبیات پارسی

گزارش

نداسیجانی

گروه فرهنگی

ارکستر میترا با «شب شاهنامه» در تالار وحدت برگزار شد. این کنسرت به رهبری محمدرضا صفوی و روایت گلاب آدینه در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ آبان ماه به روی صحنه رفت. کنسرت مایستر این برنامه شبکیبا خسروی و مدیر اجرایی آن کاوه کشکولی بود.

روایت آثار بزرگان موسیقی با ارکستر میترا

به گفته محمدرضا صفوی؛ «شکل‌گیری ارکستر میترا به سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد و مهرماه همان سال نخستین کنسرت خود را به روی صحنه پرد. هدف از تشکیل این ارکستر، گسترش موسیقی ارکسترال در ایران است و تاکنون کنسرت‌های متعددی همچون «شب موسیقی روسیه»، اجرای رپرتوارهای مختلف آهنگسازان بزرگ ایرانی و خارجی از جمله یوهان سباستین باخ، موتسارت، چایکوفسکی، شوستاکوویچ، کورساکف، گریگ، سن سان، راخمانینف، حسین دهلوی و مهران روحانی را برگزار کرده‌ایم و همچنان هر ۴۰ یا ۵۰ روز اجرای این ارکستر برقرار است.»

در کنسرت دو شب گذشته «ارکستر میترا» با گروه زهی «شب شاهنامه» را به اجرا گذاشت. صفوی در این باره بیان داشت: «چیدمان ارکستر و سازبندی آن با توجه به رپرتوار انجام می‌گیرد، اما پایه اصلی ارکستر روی گروه زهی است.» این رهبر ارکستر درباره تأثیرگذاری «ارکستر میترا» در معرفی و اجرای آثار آهنگسازان ایرانی و خارجی که شاید کمتر با ارکسترهای ملی یا سمفونیک اجرا شده باشند اظهار کرد: «از نگاه من «ارکستر میترا» در این زمینه به نسبت همه ارکسترها پیشروتر بوده است. به این دلیل که از کنسرت‌هایمان را به نام «شب آهنگسازان ایرانی» برگزار کردیم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. به گونه‌ای که به لطف و اعتماد آهنگسازان، پارتیتورهای خود را در اختیار ما می‌گذاشتند و این اتفاق

بسیار مسرت‌بخش بوده است. البته به همین نسبت وظیفه ما را هم سنگین‌تر می‌کند. امیدوارم دیگر ارکسترها هم در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشند به این دلیل که طی این سال‌ها آهنگسازان ایرانی بسیار مهجور مانده‌اند.»

امیدواری به نسل جوان آهنگساز

او در ادامه درباره رپرتوارهای ارکستر بیان کرد: «رپرتوارهای موسیقی کلاسیک ایرانی آنقدر بسیار است که بتوانیم سال‌ها از آثار آهنگسازان بزرگی چون حسین دهلوی، تقی مسعودیه، مصطفی کمال پورتراب و... بهره ببریم و به اجرا بگذاریم و شاید طی این سال‌ها آن طور که باید، اجرا نشده‌اند. مانند سوئیت «بیژن و منیژه» اثر آقای دهلوی که برای ارکستر زهی تنظیم شده است. نکته دیگر اینکه خوشبختانه آهنگسازان نسل جوان در این زمینه بسیار پیشرو شده‌اند و آثارشان چه به لحاظ ارکستراسیون و چه هارمونی بسیار غنی است و آن رشدی که می‌بایست طی این سال‌ها اتفاق می‌افتاد، به نظر من انجام شده و امیدواریم که هر روز بهتر شود. درواقع وجود فضاهای آموزشی مناسب در دانشگاه‌های ایران که در آن رشته آهنگسازی هم تدریس می‌شود و همچنین جوان‌هایی که برای ادامه تحصیل در این زمینه به خارج از ایران سفر کردند، بیانگر این است که نسل جدید مسیر را به درستی انتخاب

کرده است.»

این رهبر ارکستر درباره اعضای ارکستر که همگی از نوازندگان جوان هستند، بیان کرد: «فضاهای آموزشی در انتخاب نوازندگان کاربلد یک ارکستر تأثیرگذار است؛ البته بی‌تردید یک سری مباحث برای جای‌گیری دقیق نیاز به زمان دارد، بخصوص بحث ارکستر و گروه که در ایران با مشکلاتی همراه است. یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در جامعه ترویج و تقویت شود. با تمامی این تفاسیر، باید بگویم اگر به نسل جوان اعتماد شود و بستر مناسبی برای آنها فراهم آید، قطعاً پیشرفت خواهند کرد و ما در «ارکستر میترا» طی این دو سال این موضوع را نشان دادیم که نقرات به تنهایی مهم نیستند و انسجام یک گروه در اولویت است.»

در این کنسرت، «بیژن و منیژه» با نوبسندگی طاها افشین و آهنگسازی حسین دهلوی، «رقص سیاوش» ساخته پوریا خادم و «خنده گردآرید» با نوبسندگی ویلیام نیکلسون و آهنگسازی فرهاد پوپل اجرا شد.

او درباره رپرتوار این کنسرت گفت:

«هدف ما در این کنسرت اجرای آثار براساس شاهنامه فردوسی بود. مانند «خنده گردآرید» که از ابتدا با راوی همراه بود. «بیژن و منیژه» که البته از خانواده استاد دهلوی خواش کردیم اجازه بدهند از آثار آن استاد فقید استفاده کنیم

و متنی به کار اضافه کنیم که خوشبختانه قبول کردند. «رقص سیاوش» هم که بدون راوی اجرا شد.

استقبال خوب نویسنده معروف دنیا از شاهنامه

جالب است بدانید متن «خنده گردآرید» به قلم ویلیام نیکلسون است و ایشان شهرت جهانی دارد و ویدیویی هم برای من فرستاد که به زودی منتشر می‌کنیم. در این ویدئو ایشان از احساساتش نسبت به شاهنامه سخن گفت و این موضوع بیانگر این است که برای آن که فرهنگ ما به دنیا شناخته شود همچنان نیاز به فعالیت‌های بیشتر است.»

همان‌طور که اشاره شد، یکی از اتفاقات خوب این کنسرت همراهی شاهنامه و موسیقی است. البته در کنسرت‌های مختلف هم به این موضوع پرداخته شده است. محمدرضا صفوی درباره تأثیرگذاری موسیقی در معرفی شعر و مفاخر ادبی ایران بیان کرد: «بی‌تردید موسیقی بر شناخت واداشت اشعار و متون فارسی بسیار تأثیرگذار است و به عقیده من نیاز است در این زمینه یک سری پژوهش‌های بین‌رشته‌ای برای افرادی که فرصت کمتری دارند شکل بگیرد. این موضوع کمک بسیاری به پیوند بیشتر بین موزیسین‌ها و اهالی شعر و ادب خواهد بود.»

به گفته او، برنامه آتی «ارکستر میترا» دی و اسفندماه خواهد بود.



برش

فضاهای آموزشی در انتخاب نوازندگان کاربلد یک ارکستر تأثیرگذار است؛ البته بی‌تردید یک سری مباحث برای جای‌گیری دقیق نیاز به زمان دارد، بخصوص بحث ارکستر و گروه که در ایران با مشکلاتی همراه است.

یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در ایران با مشکلاتی همراه است.

یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در ایران با مشکلاتی همراه است.

یک دلیل آن جدای از مباحث فنی موسیقی، اخلاق کار گروهی است که در فرهنگ ما بسیار ضعیف است و به نظرم نیاز است در ایران با مشکلاتی همراه است.

و به نظرم نیاز است در جامعه ترویج و تقویت شود

فعالیت بانو گلاب آدینه در عرصه هنر به دهه ۵۰ بازمی‌گردد؛ از نقش‌آفرینی در تئاترهای قبیل انقلاب تا بازی در سریال «افسانه سلطان و شیان» و فیلم‌های «روسری آسی»، «زرد قناری»، «همهان مامان»، «وقتی همه خواب بودند» و... و دریافت جوایز داخلی و خارجی، تا سال‌ها نصبر و تجربه در هنرهای نمایشی که هریک آثاری مانا و ماندگار در کارنامه هنری این هنرمند محسوب می‌شوند و همچنین هنرنامه‌ی در عرصه موسیقی. در واقع باید گفت علاقه او به دنیای هنر تنها به سینما، تلویزیون و تئاتر خلاصه نمی‌شود و او در بازه‌های زمانی مختلف دوره‌های آواز و نواختن سه‌تار، تنبک و بانسرا آموزش می‌بیند به این دلیل که عقیده دارد ممکن است روزی در جایی لازم باشد سازی بنوازد و آوازی بخواند و بنابراین لازم است اصول اولیه را بداند تا بتواند روی آن تمرین کند.

بی‌تردید همین علاقه‌مندی‌ها موجب شده در این چند سال اخیر در کارهای موزیکال همراهی و همکاری داشته باشد و حتی چندین کار مانند «بانوی محبوب من» که یک کار موزیکال است، نمایش «پرده خانه» اثر استاد بیاضی و کنسرت -نمایش «داستان شهریار» به آهنگسازی علی قمصری که در هریک به نوعی موسیقی در جریان است، کارگردانی کند. البته پیش‌تر در نمایش‌های «سه‌گانه اورنگ» یا نمایش موزیکال «شیرهای خان بابا سلطنه» ایفای نقش داشته که در این نمایش از چندین ترانه در گام‌ها و «دستگاه‌های مختلف استفاده شده. یا کار تازه او کنسرت «میترا» که به عنوان راوی همراه این ارکستر است. درواقع بایستی گفت تمامی این فعالیت‌ها بیانگر همان عرق و علاقه‌ای است که از دوران خردسالی با او همراه بوده و هست و امروز که دهه ۷۰ زندگی‌اش را سپری می‌کند، همچنان موسیقی با او عجین است و به گفته خودش به هرگونه موسیقی که او را با خود همراه کند، علاقه‌مند است و هیچ‌گاه از موسیقی جدا نبوده و نیست.

این هنرمند براین نظر است که «درحرفه ما (بازیگری و کارگردانی)، آشنایی با موسیقی یک نیاز است و درواقع از ملزومات شغل ما بوده است.»

در دنیای امروز همه چیز لحظه‌ای می‌گذرد

در کنسرت «میترا» با عنوان «شب شاهنامه»، بار دیگر همنشینی موسیقی و ادبیات با زبان موسیقایی به اجرا درآمد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. بانو گلاب آدینه درباره اثرگذاری موسیقی در معرفی شعر و ادبیات فارسی ایران بیان کرد: «اتفاقاتی از این دست قطعاً بسیار کمک کننده است. به این دلیل که در زمانه حاضر، حوصله‌ها کمتر شده و شاید فرصت کمتری برای خواندن متن‌های کلاسیک داشته باشیم چرا که همه چیز به قول معروف فست فودی شده و اکثریت، اغلب زمان خود را در دنیای مجازی و صفحات شخصی خود می‌گذرانیم و همه چیز لحظه‌ای می‌گذرد. بنابراین اجرای این گونه آثار در جذب مخاطب، بویژه برای نسل جوان بسیار تأثیرگذار است و از نگاه من همنشینی موسیقی و ادبیات مانند شاهنامه‌خوانی با اجرای آثار نظامی و دیگر شاعران بزرگ ایران ایده بسیار خوبی است و بیشتر باید به این موضوعات توجه شود.»

این هنرمند پیشکسوت درباره اجراهای موسیقی می‌کنند. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم اگر کمتر به بازار فکر کنیم شاید چاره‌ساز باشد و صد البته که وظیفه مسئولان را نباید نادیده گرفت که شاید نقش اول ترویج آثار خوب را تنها بر عهده دارند.»

فرهنگی

گلاب آدینه، کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

توجه صرف به بازار کیفیت را از کار موسیقایی می‌گیرد



علاوه بر دلپذیر و دلنشین بودن آن، بی‌تردید برای علاقه‌مندان موسیقی و مخاطبان نمایش هم بسیار جذاب خواهد بود و طرفداران بیشمار را جذب خود می‌کند.»

تهیه خوراک خوب موسیقایی برای نسل امروز

بانو گلاب آدینه احتمال عدم ماندگاری بسیاری از آثار امروز را تمرکز تهیه‌کنندگان و گروه‌های موسیقی روی بازار (به قول خودشان مارکتینگ) می‌داند. این نوع گروه‌ها هم به هنر فست فودی نگاه می‌کنند و همین امر متأسفانه ذائقه‌ها را تغییر می‌دهد: «از نگاه من مهم‌ترین حرکت این است که شاید بهتر باشد کمتر به بازار توجه شود. هنرمند در ذائقه‌سازی مخاطب نقش بسیار مهمی دارد اما اگر نگاه خود را به فروش ان اثر متمرکز کند، از محتوای خوب و ذائقه‌سازی درست و اصولی فاصله خواهد گرفت. وظیفه هنرمند تهیه خوراک خوب موسیقایی برای نسل امروز است تا بدین طریق سلیقه مخاطب را ارتقا بدهد.»

موسیقی‌های آسان هضم امروزی، نیاز زمانه پر شتاب ماست

این کارگردان و بازیگر نام‌آشنای ایران براین نظر است: «موسیقی‌های آسان هضم امروزی نیاز زمانه پرشتاب ماست، اما برخی از این کارهای زرد می‌تواند خیانت به نسل‌های بعدی باشد و هرچه بیشتر آنها را از فرهنگ و هنر اصیل دور کند. وقتی از بعضی از دوستان دست‌اندرکار می‌پرسم چرا سطح برخی کارها تا این حد نازل است، پاسخ می‌دهند بازار همین را می‌خواهد. بنابراین اینکه هنرمندان چه میزان بتوانند هم پا به پای زمانه پیش بروند و هم آثار باارزش ارائه بدهند، دیگر بستگی به هنرمندی‌شان و آرمان‌هایشان دارد.»

نقش اول ترویج آثار خوب به دست مسئولان است

او درباره تکرار آثار خوانندگان قدیمی برای نسل امروز بیان کرد: «شاید بیش از یک دهه است که آثار خوانندگان قدیمی با صدای خوانندگان امروزی بازخوانی و اجرا می‌شود که می‌تواند مفید باشد. به طور مثال وقتی آقای همایون شجریان بعضی آهنگ‌های قدیمی را خواندند، گویا دوباره آن موسیقی و ترانه‌ها با حال و هوای نوستالژیک‌ی که دارند، زنده می‌شوند. جوانان هم بسیار استقبال می‌کنند. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم اگر کمتر به بازار فکر کنیم شاید چاره‌ساز باشد و صد البته که وظیفه مسئولان را نباید نادیده گرفت که شاید نقش اول ترویج آثار خوب را تنها بر عهده دارند.»

یکشنبه پیش رو برای مخاطبان روی صحنه می‌رود.

رابطه گروه‌های نمایشی با سالن‌های خصوصی یکی از مسائل مهم تئاتر امروز است. بعضاً شاهد این هستیم که هزینه هر شب اجراء در یک سالن خصوصی به انداز‌های بالاست که بسیاری از گروه‌های جوان از عهده آن بر نمی‌آیند. با توجه به بعد پژوهشی اجرای شما، ارتباط با سالن‌ها به چه صورت پیش رفت؟

بسیار خوب. مدیریت سالن‌ها، آقای سام درخشانی برخلاف تصور رایج که می‌گویند سینمایی‌ها از تئاتر دورند، تنها سالن خصوصی بود که بدون درخواست مالی از ما حمایت کرد و گفت خوشحال می‌شوم بخشی از کار پژوهشی شما باشیم. در مقابل، بقیه سالن‌ها از همان ابتدا با نگاه مالی وارد

حرفه‌ای و با تمرکز بر درام و کلام اجرا می‌شود. اتفاقی که در این رویداد نیز ما آن را پی گرفته‌ایم.

با توجه به توضیحاتی که بیان کردید، آیا استقبال خوبی از این رویداد صورت گرفته است؟ بسیار بهتر از آنچه فکر می‌کردم، استقبال شد. انتظار داشت‌م با شش نفر نمایش‌ما، هزینه میلیاردی داشت و هیچ نهاد خصوصی چنین سرمایه‌ای را برای کار پژوهشی نمی‌گذارد. البته اتفاقی که تحت عنوان «اجراخوانی» در ایران انجام می‌شود، یک چیز من‌درآوردی است. زیرا اغلب معلوم نیست با اجرا طرف هستید یا تمرین. اما نمایشنامه‌خوانی واقعی، متنی است که توسط بازیگران

بین روانکاوی و تئاتر ما خلأ جدی وجود دارد. از طرفی اجراهای خیلی متن نیستند و نمایشنامه نویسی‌های شتاب‌زده باعث ارزش درام کلاسیک کمتر دیده شود

می‌خواستیم مخاطب از خیلی خاص به خاص و بعد به نیمه‌عمومی برسد؛ یعنی مردم اصلاً بفهمد پژوهش چیست، رپرتوار چیست، یونگ و پیرسون چه می‌گویند. این فقط با خوانش متن ممکن بود. از سوی دیگر اجرای صحنه‌ای شش نفر نمایش‌ما، هزینه میلیاردی داشت و هیچ نهاد خصوصی چنین سرمایه‌ای را برای کار پژوهشی نمی‌گذارد. البته اتفاقی که تحت عنوان «اجراخوانی» در ایران انجام می‌شود، یک چیز من‌درآوردی است. زیرا اغلب معلوم نیست با اجرا طرف هستید یا تمرین. اما نمایشنامه‌خوانی واقعی، متنی است که توسط بازیگران

نوبن برویم؛ به‌خصوص که او نخستین کسی بود که در دو قرن گذشته نقش زن را جدی گرفت و شخصیت‌های زن‌محور برجسته‌ای خلق کرد. به این ترتیب از نمایشنامه «مرغابی وحشی» شروع کردیم و با آثار دیگر ادامه دادیم. در واقع آثار را بر اساس سیر سفر قهرمانی چیدمان کردیم. الگوهای سفر قهرمانی در شخصیت‌های زن ایپسن کاملاً قابل ردیابی است. در عین حال می‌خواستیم خودم را به عنوان پژوهشگر به چالش بکشم و تماشاجی را هم با اهمیت روانکاوی و خودکاوی آشنا کنم.

نمایشنامه‌خوانی‌ها و نشست‌های تحلیلی را با محوریت شش نمایشنامه مهم هنریک ایپسن، نمایشنامه نویسن نامدار نروژی، برگزار کرده است؛ رویدادی که تلاش می‌کند با رویکردی روانکاوانه و یونگی، مسیر سفر قهرمانی در آثار این نمایشنامه‌نویس بزرگ را بازخوانی کند. در رپرتوار نمایشی «جان پنهان» شش اثر مهم ایپسن شامل «مرغابی وحشی»، «خانه عروسک»، «اشباح»، «بانوی دریا»، «رومرسپهولم» و «هدا

رپرتوار «جان پنهان» از کجا و با چه دغدغه‌ای شکل گرفت؟ علاقه به روان‌شناسی یونگی و اساطیر، نقطه شروع این مسیر بوده است. من تحصیلات شبه‌آکادمیک در انستیتوی روان‌شناسی دارم و همیشه به رویکرد یونگی علاقه‌مند بودم. در دوران لیسانس، استادی به نام امیر کایوس با‌لازده داشتیم که با عیش درباره اسطوره‌ها حرف می‌زد و شاگرد آقای بهار بود. همین باعث شد جدی‌تر به پیوند اسطوره‌شناسی، یونگ، جوزف کمپبل و بحث سفر قهرمانی فکر کنم. در نهایت به این جمع‌بندی رسیدم که بین روانکاوی و تئاتر ما خلأ جدی وجود دارد. از طرفی این روزها اجراهای خیلی وابسته به متن نیستند و نمایشنامه‌نویسی‌های شتاب‌زده باعث شده ارزش درام کلاسیک کمتر دیده شود. بنابراین به نظرم رسید بهتر است سراغ ایپسن به‌عنوان پدر درام

نمایشنامه‌خوانی رپرتوار «جان پنهان»



می‌خواستیم مخاطب از خیلی خاص به خاص و بعد بفهمد پژوهش چیست، رپرتوار چیست، یونگ و پیرسون چه می‌گویند. این فقط با خوانش متن ممکن بود